بررسی رابطه توانمندی معلمان با میزان استفاده دانش‌آموزان از شبکه‌های اجتماعی

مریم بناهان[۱] افسانه نیرویی[۲]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۸/۱۵ پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۰۵/۰۶

چکیده

با توجه به اقبال روزافزون دانش‌آموزان به فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، بیش از پیش نقش خطیر توانمندسازی معلمان در بهره‌گیری صحیح از امکانات فضای مجازی آشکار می شود. مطالعه حاضر با هدف بررسی رابطه بین توانمندی معلمان با میزان استفاده دانش‌آموزان از شبکه های اجتماعی انجام شده است. روش مطالعه توصیفی- همبستگی و جامعه پژوهش شامل تمامی معلمان و دانش‌آموزان پایه ششم ابتدایی مدارس دولتی دخترانه منطقه پنج شهر تهران بود که از میان آن ها ۱۰۰ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه استاندارد توانمندسازی روان‌شناختی اسپریتزر و پرسشنامهٔ محقق ساخته میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی بودند. پایایی ابزار با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۹۱ محاسبه شد. داده‌ها با استفاده از روش‌های آماری توصیفی و استنباطی و به کمک نرم افزار SPSS تحلیل شد. یافته‌ها نشان داد: بین شاخص‌های توانمندی معلمان شامل معنی‌داربودن (r=۰/۴۰۴)، شایستگی (r=۰/۳۵۲) و خودمختاری (r=۰/۳۶۴) با استفاده دانش‌آموزان از شبکه‌های اجتماعی رابطه منفی و معنادار (p<۰/۰۱) و بین ویژگی موثر بودن معلمان با استفاده دانش‌آموزان از شبکه‌های اجتماعی رابطه مثبت و معنادار (p<۰/۰۵) وجود دارد. همچنین متغیر شایستگی به میزان ۲۰/۴ درصد و متغیر موثر بودن به میزان ۲۳/۷ درصد، از واریانس استفاده از شبکه‌های اجتماعی را تبیین کردند. لذا نتایج پژوهش بیانگر آن است که: توانمندی معلمان با تاکید بر راهبردهای خودتنظیمی و خودکنترلی و به واسطه نقش مربیگری بر میزان استفاده دانش‌آموزان از شبکه‌های اجتماعی تأثیر دارد.

کلیدواژه‌ها: توانمندی روانشناختی، شایستگی، موثر بودن، شبکه‌های اجتماعی

---

۱. استادیار گروه مدیریت و برنامه ریزی آموزشی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه الزهراء س. (نویسنده مسئول)
۲. کارشناس ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه الزهراء س.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOI: 10.52547/erj.7.40.22]

مقدمه

استفاده از اینترنت به عنوان یکی از ابعاد نوپای فناوری در دنیای کنونی نقش مهمی در پیشبرد اهداف بلندپروازانه انسان ایفا می کند و با وارد شدن به ملزومات زندگی روزانه بشر او را هر روز بیش از پیش به فناوری‌های نوین نزدیک می کند. دانش‌آموزان در دنیای امروز با دسترسی به اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی می توانند مسائل، ایده‌ها و باورهایشان را با یکدیگر در میان بگذارند و با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. این شبکه‌ها، گونه‌ای از وب سایت‌های اینترنتی هستند که افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها آنجا پیرامون یک یا چند ویژگی مشترک گرد هم می آیند تا اطلاعات، مطالب و محتواهای خود را با یکدیگر به اشتراک بگذارند. این شبکه‌ها گستره وسیعی را شامل می شوند که از میان آنها می توان به فیسبوک[1]، توییتر[2]، اینستاگرام[3]، تلگرام[4]، ایمو[5]، واتساپ[6] و مانند اینها اشاره کرد.

بر اساس اطلاعات مندرج در وب سایت آمار جهانی اینترنت[7](۲۰۱۶)، ضریب نفوذ کاربران اینترنت در ایران تا سپتامبر ۲۰۰۹، ۴۸/۵ درصد بوده است در حالی که ضریب نفوذ کاربران در پایان سال ۲۰۱۳، ۴۹/۳ درصد و در سال ۲۰۱۴ به ۵۳/۲۹ درصد رسیده است. تعداد کاربران شبکه‌های اجتماعی در دنیا بین سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۰ نزدیک به دوبرابر شده است به طوری که در سال ۲۰۱۰ در حدود ۰/۳ درصد جمعیت ایران (برابر با ۲۵۰۰۰۰ نفر) فقط در شبکه اجتماعی فیبس بوک عضو بوده اند. (به نقل از خواجه احمدی و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۸)

علاوه بر جنبه‌های ارتباطی، استفاده از سایت‌های شبکه‌های اجتماعی در جهت تحقق اهداف آموزشی به طور مفصل مطالعه شده است (ایشیک[8]، ۲۰۱۳: ۲۱۲) بطوریکه مشخص شده شبکه‌های اجتماعی چشم‌اندازی نو از آموزش و پرورش ترسیم می کنند (پونودورای[9]، ۲۰۱۴: ۱۲۲). دانش‌آموزان از هم اکنون از آن ها به عنوان کمک به تحصیلات خود در کارهای انفرادی و گروهی استفاده می کنند. کارکرد این شبکه‌ها تنها به اطلاع رسانی محدود نمی شود و می توان آموزش

1 Facebook
2 Twitter
3 Instagram
4 Telegram
5 Imo
6 WhatsApp
7 Internet world stats
8 Işık
9 Ponnudurai

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOI: 10.52547/erj.7.40.22]

مبتنی بر شبکه را در این سایت‌ها طرح ریزی کرد. بعضی از مدارس از این سایت‌ها در فعالیت‌های کلاسی استفاده می‌کنند (زارعی زوارکی و قربانی، ۱۳۹۴: ۲۷). دانستن این که چه تعداد از دانش‌آموزان و به چه میزان از سایت‌های شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند، برای مجامع علمی به شدت اهمیت دارد. پژوهشگران اشاره کرده‌اند که این استفاده‌ها، بر یادگیری دانش‌آموزان و جو کلاس درس نیز تأثیر دارد و می توان با به کارگیری آنها در فرایند آموزشی، از آنها به طور بهینه در جهت اهداف آموزشی استفاده کرد (مازر[1] و همکاران، ۲۰۰۹: ۱۷۸).

فضای تعاملی موجود در شبکه‌های اجتماعی در رابطه با اهداف آموزشی با استفاده از تعامل معلم، دانش‌آموزان و فضای مجازی شکل گرفته و جهت می‌یابد و توانمندی معلمان در این امر از اهمیت بسزایی برخوردار است. توانمندسازی کارکنان یکی از تکنیک‌های مؤثر برای ارتقای بهره‌وری کارکنان و استفاده بهینه از ظرفیت‌ها و توانایی‌های آنان در زمینه اهداف سازمانی است. «اندیشمندان مدیریت تحول و بهسازی سازمان، توانمندسازی منابع انسانی را به عنوان راهبردی اثرگذار بر عملکرد و بهسازی نیروی انسانی معرفی کرده‌اند و معتقدند، توانمندسازی منابع انسانی یکی از نگرش‌های عصر جدید است که امروزه توسط سازمان‌ها به کار گرفته می‌شود و در واقع پاسخ به نیاز حیاتی مدیریت معاصر است (دنیس، ۱۳۸۷).

توانمندسازی بیانگر فرایند افزایش انگیزش درونی شغلی اســت. «از این رو توانمندسازی نیروی انسانی مفهومی روان-شناختی است که به حالات، احساسات و باور افراد نسبت به شغل مربوط می‌شود.»(جلالی فر، ۱۳۹۲) براساس پژوهش‌های انجام‌شده می‌توان توانمندسازی روان‌شناختی[2] کارکنان را در پنج بعد شایســتگی،[3] موثربودن،[4] خودمختاری،[5] معنی‌دار بودن[6] و اعتماد[7] خلاصه کرد (اسپریتزر،[8] ۱۹۹۵ به نقل از انصاری فر و رئیسی، ۱۳۹۳). از آنجا که اساس کار مربیگری، امیدبخش، انرژی‌دهنده، تسهیل‌کننده عملکرد و توسعه‌دهنده است (مک‌لینان،[9] ۱۹۹۵ به نقل از لین[10] و همکاران، ۲۰۱۶: ۱۵۲)، توانمندی روان‌شناختی معلمان برای افزایش بهره‌وری از طریق بالابردن تعهد نسبت به سازمان، روش ارزشمندی

1 Mazer
2 Psychological Empowerment
3 Competence
4 Impact
5 Self-determination
6 Meaning
7 Confidence
8 Spreitzer
9 McLennan
1 Lin 0

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOI: 10.52547/erj.7.40.22]

است که به ارتقای کارآمدی معلمان کمک می‌کند. «توانمندسازی معلمان از این جهت حائز اهمیت است که به ایجاد ادراک مثبت آنها از قدرت استقلال و کنترل برکارشان برمی‌گردد و این حس، قدرت خودتعیینی، خودارزشی و اعتقاد به خودکارآمدی را تقویت می‌کند (پوراکبران، ۱۳۹۴: ۲۵۶). محیط آموزشی بطور اثربخشی بر توانمندسازی معلمان تاثیر دارد و معلمان نیز بطور اثربخشی بر رضایت دانش‌آموزان تاثیر می‌گذارند. براساس رویکرد ارگانیکی[1] توانمندی روان‌شناختی معلمان کاری نیست که مدیران مدارس باید برای معلمان انجام دهند بلکه طرز تلقی و ادراک آن‌ها درباره نقش خویش در ایفای اهداف مدرسه است.

با وجود قابلیت‌های گسترده شبکه‌های اجتماعی به ویژه در حوزه آموزشی، استفاده دانش‌آموزان در کشور ما از این پدیده نه چندان نوظهور چندان با اهداف آموزشی مورد نظر برای به کارگیری این فناوری در آموزش و پرورش همراه نبوده است. این امر مسئولیت معلمان را بیش از پیش افزایش می‌دهد. توجه به دانش‌آموزان به عنوان سرمایه‌های عظیم انسانی، لزوم تأکید بر ارتباط دو سویه میان معلمان و دانش‌آموزان در جهت بهره‌گیری مطلوب از پتانسیل‌های این فناوری را برجسته می‌سازد. بر اساس اهمیت این موضوع پژوهش‌هایی به طور مجزا در رابطه با توانمندسازی معلمان و یا فضای مجازی[2]انجام شده است، اما پژوهشی به بررسی رابطه توانمندسازی معلمان با میزان استفاده دانش‌آموزان از شبکه‌های اجتماعی صورت نگرفته است؛ لذا با توجه به اهمیت و جایگاه چنین پژوهش‌هایی در دوران معاصر به جهت اقبال روزافزون افراد اجتماع به ویژه دانش‌آموزان به سمت آن و به موازات آن، فقدان آگاهی صحیح و عمیق نسبت به ویژگی‌ها و مخاطرات احتمالی این ابزار، انجام این پژوهش ضروری به نظر رسید.

افزون بر دلایل مطرح شده، ذکر این نکته لازم است که انتخاب دانش‌آموزان پایه ششم در این پژوهش به جهت آن است که شاید هنوز استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی در این دانش‌آموزان همه‌گیر نشده باشد، لذا می‌توان نقش

1 Organic Approach

۲. پژوهش‌های پیشین به بررسی رابطه بین آموزش الکترونیکی با توانمندسازی معلمان (اوضاعی و همکاران، ۱۳۹۵؛ خزایی پول و عمویی، ۱۳۹۵؛ بهادری و رفعت پناه، ۱۳۹۴؛ کاشی سرخی، ۱۳۹۳) و توانمندسازی کارکنان (جمشیدی و اولادزاد، ۱۳۹۳) پرداخته اند. همچنین مطالعاتی نیز نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی را در یادگیری خودراهبر و عملکرد تحصیلی (راشید و اصغر،۲۰۱۶؛ گابریل،۲۰۱۶؛ حمید و همکاران، ۲۰۱۵)، در پشتیبانی از یادگیری دانشجویان (گرینهو،۲۰۱۱) و در یادگیری رسمی و غیررسمی (چن و بریر،۲۰۱۲) مورد بررسی قرار داده‌اند. اگرچه این مطالعات تلویحات خوبی به پژوهش حاضر دارند اما در قلمرو مکانی کشور ایران صورت نگرفته و با محوریت بررسی رابطه میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی سایبری با توانمندی روان‌شناختی معلمان انجام نشده است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOI: 10.52547/erj.7.40.22]

توانمندی معلمان را در میزان استفاده این دانش‌آموزان از شبکه‌های اجتماعی مجازی با اعمال کنترل بر متغیر عدم استفاده همه‌گیر و بیمارگون در این دانش‌آموزان بهتر مورد بررسی قرار داد. توانمندی معلمان به آنها این امکان را می‌دهد تا رفتار دانش‌آموزان را درزمینه میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی کنترل کرده و در خوشبینانه‌ترین حالت، آن را به سمت دستیابی به اهداف آموزشی جهت دهند. بنابراین مسأله این پژوهش تبیین رابطه میان توانمندی روان‌شناختی معلمان با میزان استفاده دانش‌آموزان از شبکه‌های اجتماعی مجازی است و امید است که نتایج پژوهش با فرهنگ سازی، بهره برداری صحیح از این تکنولوژی‌ها را افزایش و آسیب‌های احتمالی ناشی از فقدان آگاهی‌های لازم و نیز سوء مدیریت در استفاده از آنها را کاهش دهد.

مفهوم توانمندسازی و مبانی نظری آن

مفهوم توانمندسازی به این معناست که بـه افـراد کمـک شـود تـا احساس اعتماد به نفس خـود را بهبـود بخشـند، بـر نـاتوانی و درماندگی خود چیره شـوند و در آنهـا شـور و شـوق فعالیـت ایجاد کنند و انگیزه‌های درونی برای انجام دادن وظایف بسـیج گردد (رضایی جندانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۷۹). دو رویکرد مکانیکی و ارگانیکی[1] در تعریف و مفهوم توانمندسازی وجود دارد. اکثر دست‌اندرکاران مدیریت نسبت به توانمندسازی دیدگاه مکانیکی دارند که بر اساس این دیدگاه توانمندسازی به معنای تفویض اختیار و قدرت به زیردستان است. رویکرد ارگانیکی از دهه ۱۹۹۰ به بعد ظاهر شد و توانمندسازی منابع انسانی را مفهومی پیچیده و چندبعدی دانسته و بین ویژگی‌های موقعیتی (اقدامات مدیریت) و ادراک کارکنان نسبت به این ویژگی‌ها تفاوت قایل شد. کانگر و کانانگو[2](۱۹۸۸) مطرح کرده اند که اقدامات مدیریت مجموعه ای از شرایط است که می‌تواند کارکنان را توانمند کند اما الزاماً این‌طور نخواهد بود. بر اساس این رویکرد توانمندسازی کاری نیست که مدیر برای کارکنان انجام می‌دهد بلکه طرز تلقی و ادراک کارکنان درباره نقش خویش در شغل و سازمان است و در عین حال مدیران می‌توانند بستر توانمندسازی را فراهم کنند. این رویکرد شامل توانمندسازی انگیزشی و توانمندسازی شناختی است. توانمندسازی به عنوان یک سازه انگیزشی به معنای توان‌افزایی است، توان‌افزایی عبارت است از ایجاد شرایط لازم برای ارتقای انگیزش افراد در انجام وظایفشان از طریق پرورش کفایت نفس و یا کاهش احساس بی‌قدرتی در آنان

1 Mechanistic & Organic Approach
2 Conger & kanungo

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOI: 10.52547/erj.7.40.22]

(جوادی پور و همکاران، ۱۳۹۴: ۲). توماس و ولتهوس[1](۱۹۹۰) در مقاله‌ای با عنوان عناصر شناختی توانمندسازی، توانمندسازی روان‌شناختی را مفهومی چندبعدی و فرایند انگیزش درونی شغل مطرح کردند. آنان با تکمیل الگوی انگیزشی کانگر و کانانگو[2]مفهوم توانمندسازی را فقط افزایش انگیزش درونی شغل نمی‌دانند؛ ارزیابی‌های وظیفه به عنوان تفسیرها یا برداشت‌هایی از واقعیات هستند و تا اندازه‌ای واقعیات عینی را ساده می‌سازند. وقایع و شرایط قابل مشاهده بیرونی به عنوان تفسیرها یا برداشت‌هایی از واقعیت، شکل می‌گیرند و چنین ادراکات تفسیری فراتر از واقعیات هستند (نوه ابراهیم و عبدالهی، ۱۳۸۶).

توانمندی روان‌شناختی شامل ابعاد احساس شایستگی، اعتماد، مؤثربودن، خودمختاری و معنی‌دار بودن شغل است. شایستگی به درجه‌ای که یک فرد می‌تواند وظایف شغلی خود را با مهارت انجام دهد و به باور فرد نسبت به توانایی‌هایش برای انجام موفقیت آمیز وظایف محوله اشاره دارد. شایستگی موجب ایجاد کنترل بهتر و مناسب‌تر بر رفتارهای خود و خودتنظیمی می شود (ویسکرمی و همکاران، ۱۳۹۳: ۹۲). اگر فردی قادر به انجام وظایف خود با استفاده از مهارت‌هایش باشد، بر احساس شایستگی و کفایت نفس او اثری مثبت دارد. افراد توانمند با دارا بودن شایستگی احساس می کنند که قابلیت و تبحر لازم را برای انجام دادن موفقیت آمیز یک کار دارند. مؤثر بودن یا پذیرش نتیجهٔ شخصی، درجه‌ای است که فرد می‌تواند بر نتایج و پیامدهای راهبردی، اداری و عملیاتی شغل اثر گذارد. تأثیر عبارت است از درجه‌ای که به نظر می رسد رفتار فرد به منظور تحقق اهداف شغلی تفاوت ایجاد می‌کند. خودمختاری شامل احساس فرد از خودتعیینی است، چنین فردی خود را در کانون علیت می‌داند و معتقد است رفتارهایی را که انجام می‌دهد از خودش نشأت می‌گیرد نه از دیگران. در مفهوم دیگر، خودمختاری یا داشتن حق انتخاب به آزادی عمل و استقلال کارکنان در تعیین فعالیت‌های لازم برای انجام وظایف شغلی اشاره دارد. معنی‌دار بودن فرصتی است که افراد احساس کنند اهداف شغلی مهم و باارزشی را دنبال می‌کنند، بدین معنا که احساس می‌کنند در جاده‌ای حرکت می‌کنند که وقت و نیروی آنان با ارزش است. همچنین افراد توانمند حسی به نام اعتماد دارند؛ این حس به آنها

1 Thomas & Velthouse
2 Conger & Kanungo

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOI: 10.52547/erj.7.40.22]

اطمینان می‌دهد که با آنان منصفانه و صادقانه رفتار خواهد شد و حتی در مقام زیردست نیز نتیجهٔ نهایی کارهای آنها، نه آسیب و زیان، بلکه عدالت و صمیمیت خواهد بود (رضایی جندانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۸۰).

جایگاه شبکه‌های اجتماعی

از سال ۲۰۰۵ میلادی تاکنون موضوع شبکه‌های اجتماعی مجازی، اصلی‌ترین مشغلهٔ کاربران اینترنت در دنیا و به تبع آن در ایران بوده است (مرادی، ۱۳۹۰). اصطلاح شبکه‌های اجتماعی را برای نخستین بار بارنز[1] در سال ۱۹۵۴ طرح کرد و از آن پس به سرعت به شیوه‌ای کاربردی در تحقیقات و مطالعات بدل گشت (الیسون[2]، ۲۰۰۷). بر اساس تعریف راین‌گلد[3] (۲۰۰۰) شبکه اجتماعی مجازی، معمولاً به معنای شبکهٔ الکترونیکی ارتباطات متقابل است که محدوده اش را خود تعریف می‌کند و پیرامون علاقه یا هدف مشترکی تشکیل شده، گرچه در برخی مواقع، ایجاد ارتباط فی‌نفسه به هدف تبدیل می‌شود؛ اما گاهی این هدف صرفا برقراری ارتباط نیست بلکه ارتباط، وسیله‌ای است در جهت دستیابی به هدف‌های آموزشی و پیشرفت تحصیلی از سوی دانش‌آموزان و معلمان.

اما آنچه که در آموزش مبتنی بر شبکه‌های اجتماعی مجازی، موردتوجه قرار می‌گیرد چگونگی به کارگیری راهبردهای خودتنظیمی به وسیله دانش‌آموزان است (نارسیس[4] و همکاران، ۲۰۰۷: ۱۲۲۸)؛ به طوری که براساس تحقیقات انجام‌شده نقص در خودتنظیمی باعث استفاده مرضی از اینترنت می‌گردد (برنی[5] و همکاران، ۲۰۱۵: ۲۸). نظریه یادگیری خودتنظیمی را پینتریچ و دی گروت[6] مطرح کردند و راهبردهای شناختی، فراشناختی و تلاش و تدبیر[7] دانش‌آموزان را با عنوان «یادگیری خودتنظیمی» معرفی کردند (پینتریچ و دی گروت، ۱۹۹۰: ۳۴). منظور از خودتنظیمی، این است که دانش‌آموزان مهارت‌هایی برای طراحی، کنترل و هدایت فرایند یادگیری خود داشته، تمایل دارند یاد بگیرند، کل فرایند یادگیری را ارزیابی کنند و به آن بیندیشند (بری[8]، ۱۹۹۲: ۳۲۰). مهمترین جنبه از خودتنظیمی در یادگیری، مشارکت فعال یادگیرنده در فرآیند یادگیری است می‌توان آن را یادگیری خودراهبر هم نامید و در آن فرد ابتکار عمل و

1 Barnes
2 Ellison
3 Reingold
4 Narciss
5 Barnay
6 Pintrich & DeGroot
7 Management & effort
8 Berry

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOI: 10.52547/erj.7.40.22]

مسئولیت آنچه را که در طول یادگیری رخ می‌دهد، بر عهده می‌گیرد و در قبال آن پاسخگوست (صاحبی و تجری، ۱۳۹۵: ۱۰۴). نولز[1](۲۰۱۴) نیز به تشریح دو قطب متضاد در طیف یادگیری به عنوان یادگیری آموزگارمدار در یک سو و یادگیری خودراهبر در سوی دیگر پرداخته است. به نظر نولز یادگیرنده آموزگارمدار برای شناسایی نیازهای یادگیری، فرمول‌بندی اهداف یادگیری، طراحی و اجرای راهبردهای یادگیری مناسب و ارزیابی یادگیری، نیازمند آموزگار است. طیف آموزگارمدار در برابر خودراهبرمدار را می‌توان از نقطه نظر میزان کنترل اعمال شده از سوی فرد بر یادگیری‌اش و میزان آزادی او برای ارزیابی نیازهای یادگیری و اجرای راهبردهای لازم جهت نیل به آنها، مورد بررسی قرار داد (نولز و همکاران، ۲۰۱۴). بنابراین بر اساس نظریه یادگیری خودتنظیمی، دانش‌آموزان با استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و خودراهبری در یادگیری می‌توانند اهداف تحصیلی خود را پیش ببرند. اما سوال اساسی اینجاست که اولا نقش معلم در این فرایند چیست و آیا تمامی دانش‌آموزان از توانایی‌های خودراهبری در یادگیری برخوردارند؟ آیا اساسا تمامی دانش‌آموزان از شبکه اجتماعی در جهت یادگیری استفاده می‌کنند؟ به ویژه وقتی میزان استفاده از این شبکه‌ها افزایش می‌یابد اعتیاد به اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی شکل نمی‌گیرد؟ از سویی دیگر بر اساس نظر نولز یک طیف از یادگیری به نقش معلم تاکید دارد (یادگیری آموزگارمدار) که نیازها و اهداف یادگیری را تعیین می‌کند و برخورداری از توانمندی‌های روانشناختی در این امر از اهمیت بسزایی برخوردار است و روی سخن ما در این پژوهش همین گروه از دانش‌آموزان است تا سنجیده شود تا چه اندازه توانمندی‌های معلمان بر استفاده معقول این گروه می‌تواند مؤثر باشد.

نظریه حوزه عمومی[2]هابرماس[3]نیز به عنوان یکی دیگر از منابع فکری مرتبط با این پژوهش مطرح است. حوزه عمومی درواقع، ایده یا مفهومی هنجاری است که در چارچوب کلی نظریه هابرماس درباره کنش ارتباطی و اخلاق گفتگو جای دارد. از دیدگاه هابرماس، حوزه عمومی بخشی از حیات اجتماعی است که در آن شهروندان می‌توانند به تبادل نظر درباره موضوعات و مسائل مهم مربوط به خبر عمومی بپردازند. نتیجه این امر، شکل‌گیری افکار عمومی است: «مقصود ما از حوزه عمومی، قبل از هر چیز قلمرویی از زندگی اجتماعی است که در آن، آنچه به افکار عمومی منجر می‌شود، می‌تواند شکل بگیرد» (هابرماس، ۱۳۹۲ ترجمه جمال محمدی). یکی از موضوعات مهم در حوزه

1 Knowles
2 Public sphere
3 Habermas

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOI: 10.52547/erj.7.40.22]

عمـومی، ابزارهـای ارتبـاطی است. از دیدگاه هابرماس، از آنجا که محدوده جامعه جدید، فقـط امکـان حضـور فیزیکی تعداد به نسبت اندکی از شهروندان را امکان پذیر می‌سازد، رسانه‌های همگـانی بـه نهادهای اصلی حوزه عمومی تبدیل شده‌اند (دالگرن، ۱۳۹۰). ابزارهای ارتباطی حوزه عمومی، به دو بخش اطلاعـات و رسانه‌ها تقسیم می‌شوند. رسانه‌ها، امکان برقراری ارتباط را مهیا مـی‌سـازند و اطلاعـات موجود را به اشتراک نظر می‌گذارند. بر این اساس، در عصر اطلاعـات مهـم‌تـرین رسـانه، فناوری‌های نوین اطلاعات و ارتباطات است که تحولات بنیادین در تمـامی ابعـاد قلمـرو حیات بشری ایجاد کرده است (هابرماس، ۱۳۹۲ ترجمه کمال پولادی). هابرماس برای گسترش نظریه خود و تشریح کامل آن از مفهومی تحت عنوان «مدیریت اطلاعات» استفاده می‌کند و از مدیریت اطلاعات به‌عنوان نشانه‌ای از نابودی حوزه عمومی یاد می‌کند. او همچنین ترویج تبلیغات، اقناع، مدیریت افکار عمومی و مانند اینها را دلیلی بر غلبه غیرسازنده محتوای رسانه‌های اجتماعی و از میان رفتن حوزه عمومی می‌داند. به اعتقاد او این روند در نهایت به انقیاد افکار عمومی در تار و پود امور بی‌ارزش خواهد انجامید (یزدخواستی و همکاران، ۱۳۹۲: ۸۹). بنابراین، می‌توان گفت که نقش شبکه های اجتماعی مجازی و تکنولوژی‌های نوین ارتباطی مورد تأیید هابرماس نیست، زیرا ارتباطات گسترده معاصر را حاوی مقدار زیادی اطلاعات تحریف‌شده می‌داند که بر اصول تجاری و سرگرمی‌هایی تکیه دارند که ابتذال و گریز از واقعیت، محتوای اصلی آنها را تشکیل می‌دهد. بنابراین لازم است بهره‌برداری از این گونه ابزار که بخش گریزناپذیری از زندگی امروز را تشکیل می‌دهند به شیوه‌ای درست هدایت شود. این هدایت باید از محیط‌های آموزشی آغاز شود، لذا چنین به نظر می‌رسد که با اتکا بر توانمندی روانشناختی معلمان می‌توان دانش‌آموزان را درجهت مدیریت استفاده و خودراهبری صحیح از این شبکه‌ها هدایت کرد.

باتوجه به‌مرور ادبیات و مبانی نظری و پیشینه تحقیقاتی، پیشینه‌ای که متغیرهای توانمندی معلمان و میزان استفاده دانش‌آموزان از شبکه‌های اجتماعی را در برداشته باشد یافت نشد؛ لذا تحقیقاتی که بیش از همه با پژوهش حاضر مرتبط هستند در ادامه آورده می‌شود:

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOI: 10.52547/erj.7.40.22]

راشید و اصغر[1](۲۰۱۶) رابطه متقابل بین استفاده از تکنولوژی، یادگیری خودراهبر، تعامل دانشجو و عملکرد تحصیلی را مورد بررسی قراردادند. نتایج نشان داد که استفاده از تکنولوژی رابطه مثبتی با تعامل دانشجو و یادگیری خودراهبر دارد، اما تاثیر مستقیم و معناداری بین استفاده از تکنولوژی و بهبود عملکرد تحصیلی وجود نداشت.

گابریل[2](۲۰۱۶) تاثیر راهبردهای آموزشی را با کمک تکنولوژی بر انگیزش، عملکرد و یادگیری خودراهبر مورد مطالعه قرار داده است. دانش‌آموزانی که در معرض راهبردهای آموزشی با کمک تکنولوژی (TMIS)[3]بودند، عملکرد تحصیلی بالاتری نسبت به گروه کنترل داشتند. همچنین تفاوت معناداری بین انگیزش و تمایل به یادگیرنده خودراهبر بودن در دانش‌آموزان گروه مداخله و گروه کنترل وجود داشت. این یافته‌ها نشان می‌دهد راهبردهای آموزشی طراحی شده و سیستماتیک به واسطه فناوری تاثیر مثبت بر انگیزش، عملکرد، و یادگیری خودراهبر می‌گذارند. به علاوه، فناوری‌های جدید مثل دستیار دیجیتال شخصی (PDA)[4]به بهبود کارآمدی چنین راهبردهایی کمک می‌کنند.

حمید[5]و همکاران (۲۰۱۵) در مطالعه ای با عنوان «ادراک دانش‌آموزان از مزایای استفاده از شبکه‌های اجتماعی آنلاین به منظور تدریس و یادگیری» و با هدف بررسی تاثیر استفاده از فناوری‌های اجتماعی بر تجارب یادگیری و بهبود تعاملات دریافتند دانش‌آموزان نتایج استفاده از شبکه‌های اجتماعی آنلاین را بر تعاملات بین خود و ارائه درس ها مثبت ارزیابی کردند.

چن و بریر[6](۲۰۱۲) استراتژی‌های آموزشی برای استفاده از رسانه‌های اجتماعی در یادگیری رسمی و غیر رسمی را بررسی کردند و نتیجه پژوهش نشان داد یادگیری غیررسمی با استفاده از رسانه‌های اجتماعی می‌تواند با استفاده از استادان آسان شود و با محیط‌های یادگیری رسمی ادغام شود تا مباحث غنی‌تر شود، تعامل افزایش یابد و ارتباطات گسترده شود.

1 Rashid & Asghar
2 Gabrielle
3 Technology-Mediated Instructional Strategies (TMIS)
4 Personal Digital Assistant (PDA)
5 Hamid
6 Chen, & Bryer

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOI: 10.52547/erj.7.40.22]

گرینهو[1](۲۰۱۱) در مطالعه‌ای به بررسی نقش شبکه‌های اجتماعی آنلاین به عنوان سایت‌هایی برای پشتیبانی از یادگیری دانشجویان پرداخت. نتیجه این مطالعه نشان داد سایت‌های شبکه اجتماعی می‌توانند به عنوان حمایت‌کننده‌های مستقیم و غیر مستقیم یادگیری باشد، به طور مثال، این سایت‌ها می‌توانند یک خروجی عاطفی برای استرس‌های مربوط به مدرسه فراهم کنند، به کار خلاق اعتبار بخشند و به انجام وظایف مرتبط با تحصیل کمک کنند. همچنین شبکه‌های اجتماعی آنلاین می‌تواند از مزایای اجتماعی و مدنی برخوردار باشد که این موضوع مفاهیمی را برای آموزش دربردارد. در نظرگرفتن این که رسانه‌های اجتماعی همانند سایت‌های شبکه‌های اجتماعی چگونه از یادگیری رسمی حمایت می‌کنند ممکن است، توانایی فرد را برای ایجاد محیط‌های رسانه‌ای و اجتماعی فعال افزایش دهد و اهداف یادگیری رسمی تحقق یابد.

اوضاعی و همکاران (۱۳۹۵) در مطالعه‌ای با عنوان «تاثیرآموزش الکترونیکی بر توانمندسازی معلمان دوره ابتدایی شهرکرج» دریافتند آموزش الکترونیکی باعث افزایش توانمندسازی روان شناختی معلمان در فرایند یاددهی یادگیری می‌شود.

خزایی پول و عمویی (۱۳۹۵) در پژوهش خود با عنوان «رابطه یادگیری الکترونیکی با خودکارآمدی و توانمندسازی معلمان مقطع ابتدایی شهرستان نوشهر» به این نتیجه دست یافتند که بین یادگیری الکترونیکی با خودکارآمدی و توانمندسازی معلمان مقطع ابتدایی رابطه وجود دارد و توان پیش بینی خودکارآمدی و توانمندسازی معلمان با استفاده از یادگیری الکترونیکی وجود دارد.

بهادری و رفعت پناه (۱۳۹۴) در مطالعه ای با عنوان «رابطه میان آموزش الکترونیکی و توانمندسازی معلمان دوره متوسطه ناحیه ۴ قم» و با هدف تبیین رابطه آموزش الکترونیکی معلمان با خودکارآمدی، خودمختاری، اثربخشی، معناداری، اعتماد و اطمینان دریافتند بین آموزش الکترونیکی و خودکارآمدی، خودمختاری و معناداری رابطه وجود دارد اما بین آموزش الکترونیکی و اثرگذاری رابطه وجود ندارد. همچنین به لحاظ مؤلفه‌های جمعیت شناختی (جنس، سابقه خدمت و

1 Greenhow

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOI: 10.52547/erj.7.40.22]

تحصیلات) بین آموزش الکترونیکی تفاوتی وجود ندارد، بین توانمندسازی به لحاظ (جنس و تحصیلات) تفاوت معنادار وجود ندارد، ولی بین توانمندسازی به لحاظ سابقه خدمت تفاوت وجود دارد.

جمشیدی و اولادزاد (۱۳۹۳) به بررسی تاثیر فناوری اطلاعات بر توانمندسازی کارشناسان سازمان تامین اجتماعی پرداختند. در این مطالعه مشخص شد که فناوری اطلاعات بر تمامی ابعاد توانمندسازی (خود مختاری، اعتماد، تاثیرگذاری، شایستگی، معنی دار بودن) کارشناسان تاثیر دارد.

کاشی سرخی (۱۳۹۳) در پژوهش خود با عنوان «بررسی رابطه میان یادگیری الکترونیکی و توانمندسازی معلمان دوره متوسطه شهرستان سوادکوه» و با هدف تبیین رابطه میان یادگیری الکترونیکی با خودکارآمدی، خودمختاری، اثربخشی و اعتماد و اطمینان معلمان دوره متوسطه دریافت بین یادگیری الکترونیکی و خودکارآمدی و خودمختاری رابطه وجود دارد؛ اما بین یادگیری الکترونیکی و اثرگذاری رابطه معناداری وجود نداشت.

آنچه از نتیجه پژوهش‌های پیشین مشخص است تأکید بر بررسی متغیرهایی نزدیک به شبکه‌های اجتماعی ازقبیل، فناوری اطلاعات، آموزش الکترونیکی و تکنولوژی در فرایند یادگیری و عملکرد تحصیلی است. البته در چند مطالعه نیز رابطه رسانه‌های اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی مجازی با یادگیری مورد بررسی قرارگرفته است. اما در پژوهش حاضر رابطه بین توانمندی معلمان با پیش بینی میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

فرضیات پژوهش

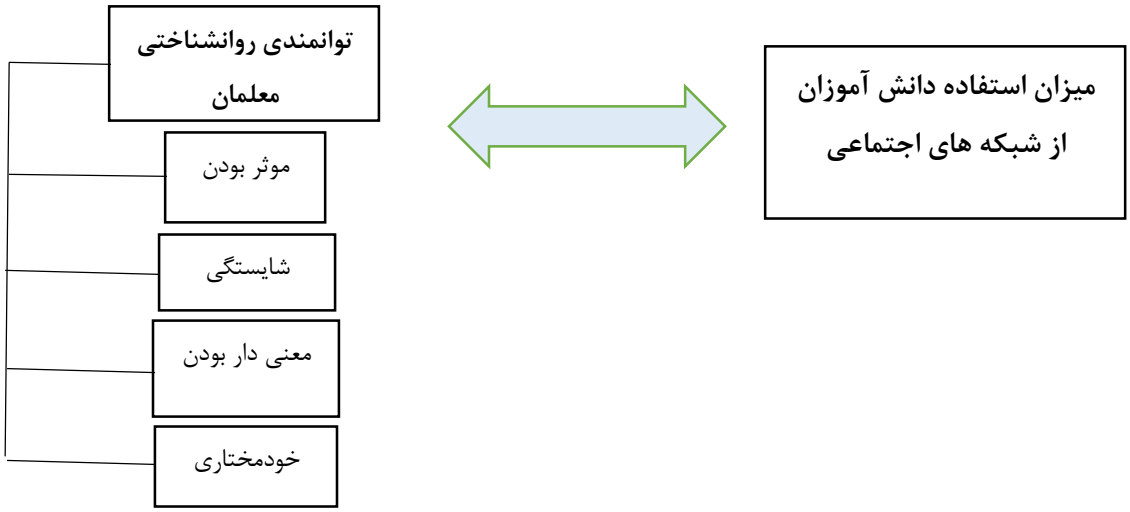

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOI: 10.52547/erj.7.40.22]

۱. بین مولفه‌های توانمندی روان‌شناختی معلمان و میزان استفاده دانش‌آموزان از شبکه‌های اجتماعی رابطه منفی وجود دارد.

۲. مولفه های توانمندی روان‌شناختی معلمان می توانند میزان استفاده دانش‌آموزان از شبکه های اجتماعی را پیش بینی کنند.

روش پژوهش

این پژوهش از لحاظ هدف، کاربردی و از لحاظ شیوه جمع‌آوری داده‌ها توصیفی – همبستگی است. جامعه این پژوهش عبارتند از تمامی معلمان و دانش‌آموزان پایه ششم ابتدایی مدارس دولتی دخترانه منطقه پنج شهر تهران در سال تحصیلی ۱۳۹۵-۹۶. با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای از میان نواحی هفت‌گانه منطقه پنج تهران ابتدا چهار ناحیه و از هر ناحیه پنج مدرسه انتخاب‌شدند. سپس در هر مدرسه از سه معلم پایه ششم ابتدایی خواسته شد تا به سوالات پرسشنامه توانمندسازی روان‌شناختی پاسخ دهند. از هر کلاس دو دانش‌آموزی که از شبکه‌های اجتماعی مجازی تلگرام، واتساپ و اینستاگرام استفاده می‌کردند از روی دفتر حضور و غیاب به طور تصادفی انتخاب شدند و به سوالات پرسشنامه میزان استفاده از شبکه های اجتماعی پاسخ دادند. ملاک خروج عبارت بود از عدم پاسخگویی به بیش از ۱۰ درصد سوال‌های پرسشنامه. حجم نمونه بر اساس قاعده کلی مطرح شده به وسیله تاباچنیک و فیدل[1](۲۰۰۱) در پژوهش‌های توصیفی – همبستگی تعیین شد؛ مبنی بر اینکه تعداد نمونه باید برابر با بزرگترین مقدار هشت برابر تعداد متغیرهای پیش‌بین، به علاوه پنجاه باشد (به نقل از بریس و همکاران، ۱۳۹۱). از آنجا که در پژوهش حاضر متغیر توانمندی روان-شناختی معلمان با چهار بعد به عنوان متغیرهای پیش بین درنظر گرفته شد، طبق فرمول فوق حجم نمونه ۸۲ نفر محاسبه شد اما با احتساب ریزش و یا مخدوش بودن برخی پاسخنامه‌ها اجرای پرسشنامه روی ۶۰ نفر معلم و ۴۰ نفر دانش‌آموز اجرا شد. تمام ملاحظات لازم اخلاقی در اجرای مطالعه و تکمیل پرسشنامه‌ها رعایت شد. همچنین مجوزهای لازم از اداره آموزش و پرورش منطقه ۵ شهر تهران کسب و محرمانه بودن پاسخ‌های آزمودنی‌ها رعایت شده است. روش آماری که جهت

1 Tabachnick & Fidell

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOI: 10.52547/erj.7.40.22]

تجزیه و تحلیل داده‌ها در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است، ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون گام به گام است.

ابزار جمع‌آوری داده‌ها

الف:پرسشنامه توانمندی معلمان: این پرسشنامه بر اساس پرسشنامه توانمندسازی روان‌شناختی اسپریتزر، ۱۹۹۵ تهیه شد و شامل چهار مؤلفه معنی‌دار بودن، شایستگی، خودمختاری، و موثر بودن بود. در پژوهش حسن زاده و همکاران (۱۳۹۲: ۱۳۹) پایایی پرسشنامه، پس از انجام یک مطالعه مقدماتی و تعیین واریانس سوال‌ها، از طریق ضریب آلفای کرونباخ مورد محاسبه قرار گرفت که ضرایب هر یک از ابعاد در جدول ۱ نشان داده شده است. جهت تعیین روایی پرسشنامه از روایی محتوایی استفاده شد. بر همین اساس پرسشنامه توانمندی روان‌شناختی با ۲۲ سوال به چند تن از اساتید و متخصصان داده شد که در نهایت آن‌ها بر روی ۲۰ سوال برای پرسشنامه توانمندی روان‌شناختی اتفاق نظر داشتند و بدین ترتیب روایی پرسشنامه مورد تأیید قرار گرفت.

جدول ۱: ضریب پایایی مولفه های توانمندسازی روان شناختی معلمان

ابعاد	سوالات	ضریب پایایی
معنی داری	۱-۴	۰/۸
شایستگی	۵-۱۱	۰/۸
خودمختاری	۱۲-۱۵	۰/۷
موثر بودن	۱۶-۲۰	۰/۸

ب: پرسشنامهٔ میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی: این مقیاس از نوع محقق ساخته است که با بررسی متون و تحقیقات مرتبط و استفاده از مقیاس‌های مشابه خارجی در خصوص موضوع، فرم اولیهٔ آن با ۱۷ سؤال به صورت طیف پنج گزینه‌ای شامل خیلی‌کم، کم، متوسط، زیاد و خیلی‌زیاد تهیه شد. شیوه نمره‌گذاری اختصاص نمره ۱ به گزینه خیلی‌کم تا نمره ۵ به گزینه خیلی‌زیاد بود. دانش‌آموزان در نهایت می‌توانند نمره‌ای بین ۱۷ تا ۸۵ کسب کنند. نمرهٔ بالا در این مقیاس بیانگر میزان بالای استفاده از شبکه‌های اجتماعی است. جهت احراز روایی، پرسشنامه در اختیار متخصصان قرار داده شد تا درخصوص مناسب بودن آن اظهارنظر کنند. بعد از جمع‌آوری آرای متخصصان، اصلاحات لازم انجام شد.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOI: 10.52547/erj.7.40.22]

جهت بررسی پایایی پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده شد و ضریب به دست آمده برابر با ۰/۹۱ بود که از پایایی قابل قبولی برخوردار است.

یافته‌ها

در این پژوهش تعداد ۱۰۰ معلم و دانش‌آموز دختر پایه ششم ابتدایی مورد مطالعه قرار گرفتند؛ بطوری‌که معلمان، پرسشنامه توانمندسازی روان‌شناختی و دانش‌آموزان آنها پرسشنامه میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی را تکمیل کردند. میانگین سنی دانش‌آموزان ۱۲/۳ سال و میانگین سنی معلمان ۳۹/۲ سال بود. بیشتر معلمان دارای تحصیلات فوق لیسانس و سابقه کاری ۱۰ تا ۱۵ سال بودند. مشخصه‌های آمارتوصیفی (فراوانی، میانگین و انحراف معیار) متغیرهای توانمندی روان‌شناختی و استفاده از شبکه‌های اجتماعی در جدول ۲ نمایش داده شده است.

جدول ۲: فراوانی، میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش

متغیرها	فراوانی	میانگین	انحراف معیار
معنی داری	۶۰	۳/۳۱	۱/۷۶
شایستگی	۶۰	۳/۴۷	۱/۷۷
خودمختاری	۶۰	۳/۲۱	۱/۶۶
موثربودن	۶۰	۳/۱۵	۱/۷۳
استفاده از شبکه های اجتماعی	۴۰	۴/۴۴	۲/۶۳

فرضیه اول: بین توانمندی روان‌شناختی معلمان و مولفه های آن با میزان استفاده دانش‌آموزان از شبکه‌های اجتماعی رابطه منفی وجود دارد.

جدول ۳: ماتریس همبستگی بین متغیرهای توانمندی (روان شناختی) معلمان و استفاده از شبکه های اجتماعی

متغیر ملاک		معنی دار بودن	شایستگی	خودمختاری	موثربودن
استفاده از شبکه های اجتماعی	ضریب همبستگی	-۰/۴۰۴**	-۰/۴۵۲**	-۰/۳۶۴**	۰/۲۴۷*
	سطح معنی داری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۱۳

*p<۰/۰۵
**p<۰/۰۱

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOI: 10.52547/erj.7.40.22]

نتایج جدول ۳، نشان می‌دهد بین توانمندی معلمان شامل معنی داربودن (r=-۰/۴۰۴)، شایستگی (r=-۰/۴۵۲)، و خودمختاری (r=-۰/۳۶۴) و استفاده از شبکه‌های اجتماعی رابطه منفی و معنادار وجود دارد (p<۰/۰۱). همچنین نتایج نشان می‌دهد که رابطه موثربودن با استفاده دانش‌آموزان از شبکه‌های اجتماعی مثبت و معنادار است (p<۰/۰۵).

فرضیه دوم: توانمندی روان‌شناختی معلمان و مولفه‌های آن، می‌توانند میزان استفاده دانش‌آموزان از شبکه‌های اجتماعی را پیش بینی کنند.

جدول ۴: سهم متغیر پیش بین توانمندی روان شناختی و ابعاد آن برای پیش بینی استفاده شبکه های اجتماعی

گام	متغیر	R	R^2	F	P
۱	شایستگی	۰/۴۲۵	۰/۲۰۴	۲۵ /۰۹۶	۰/۰۰۰
۲	موثربودن	۰/۴۸۷	۰/۲۳۷	۱۵/۰۷۵	۰/۰۰۰

نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد که میزان شایستگی ۲۰/۴ درصد واریانس استفاده از شبکه‌های اجتماعی را توجیه می‌کند. همچنین چون F محاسبه شده برابر با ۲۵ /۰۹۶ است (P<۰/۰۱)، این نشان می‌دهد که بین مولفه شایستگی و استفاده از شبکه‌های اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد و همچنین شایستگی پیش بینی‌کننده خوبی برای استفاده از شبکه‌های اجتماعی است.

نتایج جدول ۴ همچنین نشان می‌دهد که میزان موثربودن ۲۳/۷ درصد واریانس استفاده از شبکه‌های اجتماعی را توجیه می‌کند. همچنین چون F محاسبه شده برابر با ۱۵/۰۷۵ است (P<۰/۰۱)، این نشان می‌دهد که بین مولفه موثربودن و استفاده از شبکه‌های اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد و همچنین مولفه موثربودن پیش‌بینی‌کننده خوبی برای استفاده از شبکه‌های اجتماعی است.

جدول ۵: ضرایب رگرسیون گام به گام برای پیش بینی استفاده از شبکه های اجتماعی

گام	متغیر	B	S.E	β	t	p
۱	مقدار ثابت	۱۲/۷۳۵	۲/۳۴۸		۵/۴۲۲	۰/۰۰۰
	شایستگی	-۰/۶۷۰	۰/۱۳۴	-۰/۴۵۲	-۵/۰۱۰	۰/۰۰۰
۲	مقدار ثابت	۱۴/۳۷۷	۲/۴۴۵		۵/۸۸۰	۰/۰۰۰
	شایستگی	-۱/۰۲۳	۰/۲۱۶	-۰/۶۸۹	-۴/۷۳۱	۰/۰۰۰

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOI: 10.52547/erj.7.40.22]

موثربودن	۰/۴۵۵	۰/۲۲۱	۰/۲۹۹	۲/۰۵۶	۰/۰۴۲

نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد متغیر شایستگی اولین متغیری است که وارد معادله رگرسیون گام به گام شده است و این متغیر ۰/۴۵۲ از تغییرات متغیر استفاده از شبکه‌های اجتماعی را پیش‌بینی می‌کند و از آنجا که رابطه به دست آمده منفی است، می توان گفت با بالا رفتن متغیر شایستگی میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی کاهش می‌یابد (۰/۴۵۲-=β).

نتایج جدول ۵ همچنین نشان می‌دهد متغیر موثر بودن دومین متغیری است که وارد معادله رگرسیون گام به گام شده است و این متغیر ۰/۲۹۹ از تغییرات متغیر استفاده از شبکه‌های اجتماعی را پیش‌بینی می‌کند و از آنجا که رابطه به دست آمده مثبت است، می‌توان گفت با بالا رفتن متغیر موثر بودن میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی افزایش می‌یابد (۰/۲۹۹=β).

بحث و نتیجه گیری

مطالعه حاضر به منظور بررسی رابطه توانمندی معلمان با میزان استفاده دانش‌آموزان از شبکه‌های اجتماعی انجام شد. یافته‌ها نشان دادند بین توانمندی معلمان شامل معنی داربودن، شایستگی، و خودمختاری و استفاده از شبکه‌های اجتماعی رابطه معنادار منفی وجود دارد. این نتایج درراستای نتایج بهادری و رفعت پناه (۱۳۹۴) و کاشی سرخی (۱۳۹۳) است و آن را تأیید می‌کند.

افراد توانمند احساس شایستگی دارند و باور دارند که قابلیت‌ها و توانایی‌های لازم برای انجام موفقیت‌آمیز وظایف را دارند. افراد توانمند نه تنها احساس شایستگی بلکه احساس اطمینان می‌کنند و می‌توانند وظایف را به طور مؤثر انجام دهند. آنان احساس تسلط شخصی می‌کنند و معتقدند که در رویارویی با چالش‌های جدید می‌توانند بیاموزند و رشد کنند (جوادی پور و همکاران، ۱۳۹۴: ۴). شایستگی موجب ایجاد کنترل بهتر و مناسب‌تر بر رفتارهای خود و خودتنظیمی می‌شود (ویسکرمی و همکاران، ۱۳۹۳: ۹۲). موضوع کنترل از مباحث کانونی خودتنظیمی محسوب می‌شود و از این منظر بین خودتنظیمی و رفتارهای اعتیادگونه رابطه منطقی وجود دارد. براساس تحقیقات انجام‌شده

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOI: 10.52547/erj.7.40.22]

تکانشگری و نقص در خودتنظیمی باعث استفاده مرضی از اینترنت می‌گردد (برنی و همکاران، ۲۰۱۵: ۲۸). توانمندی به این معناست که افراد نیرو و انرژی لازم را به طور بالقوه در اختیار دارند و در گام اول لازم است که فرد به این شناخت برسد که منابع لازم را در درون خویش دارد. معلمان با برخورداری از شایستگی، باور دارند که می‌توانند انرژی بالقوه دانش‌آموزان برای استفاده بهینه از ابزار الکترونیکی در یادگیری را هدایت کنند. درواقع می‌توان این یافته را این‌طور تبیین نمود که از آنجا که افراد توانمند با دارا بودن شایستگی احساس می‌کنند که قابلیت و تبحر لازم را برای انجام دادن موفقیت‌آمیز یک کار دارند، معلمان توانمند و شایسته، با مدیریت و برقراری ارتباط موثر با دانش‌آموزان، پیرامون عوامل مشکل‌آفرین و سد راه تحصیل، می‌توانند راهنمایی‌های لازم را به آنها ارائه دهند. درواقع معلمان تنها تسهیل‌گر امور تحصیل دانش‌آموزان نیستند بلکه یک معلم توانمند در درجه اول یک راهبر و مربی است که امور مربوط به پرورش متربی را در جمیع جهات برعهده دارد. با توجه به گستردگی استفاده از شبکه‌های مجازی، آگاهی‌های لازم را به دانش‌آموزان داده و آنها را در جهت مسیر استفاده درست از شبکه‌های اجتماعی هدایت می‌کند و بدین ترتیب میزان استفاده دانش‌آموزان از شبکه‌های اجتماعی را تنظیم می‌کند.

از دیگر مصادیق توانمندی، احساس خودمختاری است. افراد توانمند احساس خودسامانی می‌کنند. اسپریتزر (۱۹۹۷) اصطلاح خودمختاری را به معنی احساس فرد از کنترل داشتن بر کار خویش تعریف می‌کند. این افراد خود را فعال و خودآغازگر می‌بینند و قادرند به میل خود اقدامات ابتکاری انجام دهند، تصمیم مستقل بگیرند و افکار جدید را به آزمون بگیرند. این افراد به جای اینکه احساس کنند فعالیت‌هایشان از پیش تعیین شده، از بیرون کنترل شده، اجتناب ناپذیر و همیشگی است، خود را به منزله کانون کنترل فعالیت‌ها می‌بینند. افرادی که احساس توانمندی می‌کنند به احتمال بسیار زیاد دارای کانون کنترل درونی هستند (جوادی پور و همکاران، ۱۳۹۴: ۴). معلمانی که از توانمندی خودمختاری برخوردارند این ویژگی را به دانش‌آموزان نیز انتقال می‌دهند تا آنها نیز با استقلال عمل به طور موثر میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی را تنظیم کرده و اگر میزان استفاده موجب منفک شدن از امور تحصیل و مانع ارتباط روزانه موثر است آن را کاهش دهند.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOI: 10.52547/erj.7.40.22]

افراد توانمند احساس معنی دار بودن می‌کنند. آنان برای فعالیت‌هایی که به آن اشتغال دارند ارزش قائل‌اند. آرمان و استانداردهایشان با آنچه در حال انجام دادن آن هستند، متجانس دیده می‌شود. فعالیت در نظام ارزشی‌شان مهم تلقی می‌شود. افراد توانمند به کار خود اعتقاد دارند، آنان در فعالیت از نیروی روانی سرمایه‌گذاری می‌کنند و در درگیری و اشتغال شخصی از نوعی احساس اهمیت شخصی برخوردارند، بنابراین معنادار بودن به نگرش ارزشی معطوف است (جوادی پور و همکاران، ۱۳۹۴: ۵). نتیجه این پژوهش نشان داد بین توانمندی (روان شناختی) معلمان و معناداری و میزان استفاده دانش‌آموزان از شبکه‌های اجتماعی رابطه منفی وجود دارد. درنتیجه می‌توان این‌طور تبیین نمود که از آنجا که اساس کار مربیگری، امیدبخش، انرژی‌دهنده، تسهیل‌کننده عملکرد و توسعه‌دهنده است (مک‌لینان، ۱۹۹۵ به نقل از لین و همکاران، ۲۰۱۶: ۱۵۲)، معلمان بر شکل‌گیری ارزش‌های دانش‌آموزان نقش دارند، آنها را شکل داده و جهتمند می‌سازند. ارزش‌های تعیین شده در زمان تحصیل با راهنمایی‌های معلم در جهت پیشرفت تحصیلی و تعالی جسم و روان و پرورش قوای فکری دانش‌آموزان پیش می‌رود و با تاکید بر آنها انرژی‌های هرزرفته در مسیر درست هدایت شده و مدت زمان سپری شده در شبکه‌های اجتماعی از سوی دانش‌آموزان کاهش می‌یابد.

از سویی دیگر نتیجه پژوهش حاضر نشان داد بین ویژگی موثر بودن معلمان با میزان استفاده دانش‌آموزان از شبکه‌های اجتماعی رابطه‌ای مثبت وجود دارد. این یافته با نتیجه پژوهش‌های گابریل (۲۰۱۶) و حمید و همکاران (۲۰۱۵) همسو است که نشان دادند دانش‌آموزانی که در معرض راهبردهای آموزشی با کمک تکنولوژی و استفاده از فناوری‌های شبکه‌های اجتماعی آنلاین به منظور تدریس و یادگیری هستند، عملکرد تحصیلی بالاتری نسبت به گروه کنترل دارند و تجارب یادگیری خود را مثبت ارزیابی می‌کنند. از سویی دیگر گرینهو (۲۰۱۱) در مطالعه خود به نقش شبکه‌های اجتماعی آنلاین به عنوان حمایت‌کننده های مستقیم و غیر مستقیم یادگیری اشاره کرد که در راستای نتیجه پژوهش حاضر است.

هرچند پژوهش‌های نام برده شده در تایید نتیجه پژوهش حاضر هستند اما مطالعه‌ای یافت نشد که به طور روشن به رابطه بین موثربودن و میزان استفاده دانش‌آموزان از شبکه‌های اجتماعی اشاره نماید. تنها می‌توان از مطالعه بهادری و رفعت پناه (۱۳۹۴) و کاشی سرخی (۱۳۹۳) نام برد که نشان دادند هیچ رابطه‌ای بین آموزش الکترونیکی و اثرگذاری معلمان وجود ندارد. ازطرفی راشید و اصغر (۲۰۱۶) به نتیجه متناقضی دست یافتند مبنی بر اینکه استفاده از تکنولوژی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOI: 10.52547/erj.7.40.22]

رابطه مثبتی با یادگیری خودراهبر دارد اما تاثیر مستقیم و معناداری بین استفاده از تکنولوژی و بهبود عملکرد تحصیلی نبود.

در تبیین یافته پژوهش حاضر مبنی بر رابطه مثبت بین ویژگی موثر بودن معلمان با میزان استفاده دانش‌آموزان از شبکه‌های اجتماعی لازم به ذکر است برخورداری از احساس مؤثربودن در کار کاملاً به احساس خودکنترلی مربوط است. برای اینکه افراد احساس توانمندی کنند نه تنها باید احساس کنند که آنچه انجام می‌دهند اثری به دنبال دارد، بلکه باید احساس کنند خود می‌توانند آن اثر را به وجود آورند یعنی برای اینکه آن نتیجه با احساس توانمندی همراه باشد باید احساس کنند کنترل نتیجه تولید را در دست دارند. بنابراین داشتن نوعی احساس کنترل شخصی، برای سلامت و نیز توانمندی ضروری است. احساس مؤثربودن درجه‌ای است که فرد می‌تواند بر نتایج راهبردی، اداری و عملیاتی شغل اثر بگذارد. شخص با فعالیت‌های خود می‌تواند بر آنچه اتفاق می‌افتد، تأثیر بگذارد. معلمانی با ویژگی توانمندی روان‌شناختی موثربودن، از توانایی اعمال این ویژگی در تنظیم فعالیت‌های دانش‌آموزان خود برخوردارند. آنها به درستی دانش‌آموزان را در جهت مسیر درست دستیابی به اهداف تحصیلی سوق داده و شبکه‌های اجتماعی را ایجاد و مدیریت می‌کنند که با اهداف سازنده و در جهت یادگیری ایجاد شده باشد. آنان دانش‌آموزان خود را به استفاده از شبکه‌های اجتماعی با چنین ارزش‌ها و اهدافی هدایت و تشویق می‌کنند. این بدین معناست که در پژوهش حاضر استفاده از شبکه‌های اجتماعی همچون شمشیری دولبه عمل می‌کند. ازطرفی میزان استفاده بیمارگون از این فناوری در مسیر شکل‌گیری اعتیاد اینترنتی پیش می‌رود بطوریکه یادگیرنده را از مسیر پیشرفت تحصیلی دور می‌کند و از سویی دیگر با هدایت معلم و با توجه به ماهیت لذتبخش این شبکه‌ها می‌توان استفاده از آن را در مسیر یادگیری درس، ارتباط با معلم و سایر دانش‌آموزان و تشکیل گروه‌های آموزشی مجازی برای هر کلاس درس به منظور تعامل در روزهای تعطیل، پرسش و پاسخ‌های درسی و مانند اینها هدایت نمود. بنابراین اگرچه رابطه بین ویژگی موثربودن معلمان با میزان استفاده دانش‌آموزان از شبکه‌های اجتماعی مثبت نشان داده شده است، چه بسا این افزایش در جهت امور یادگیری و تحصیل باشد و تعاملات سودمند معلم و دانش‌آموز را افزایش دهد. همچنانکه چن و بریر (۲۰۱۲) در مطالعه خود نشان دادند استفاده از رسانه‌های اجتماعی در یادگیری رسمی و غیر رسمی می‌تواند با استفاده از استادان آسان شود و با محیط‌های یادگیری رسمی ادغام شود تا مباحث غنی‌تر شود، تعامل افزایش یابد و ارتباطات گسترده شود.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOI: 10.52547/erj.7.40.22]

همچنین نتیجه پژوهش حاضر نشان داد توانمندی روان‌شناختی معلمان و مولفه‌های آن، می‌توانند میزان استفاده دانش‌آموزان از شبکه‌های اجتماعی را پیش‌بینی کنند. بدین معنی که اولا توانمندی روان‌شناختی معلمان و مولفه‌های آن با میزان استفاده دانش‌آموزان از شبکه‌های اجتماعی رابطه دارند و در مرتبه دوم قدرت این رابطه به حدی است که می توان گفت توانمندی روان‌شناختی معلمان بر میزان استفاده دانش‌آموزان از شبکه‌های اجتماعی تاثیر گذارند. نتیجه پژوهش‌های گابریل (۲۰۱۶)، حمید و همکاران (۲۰۱۵) و گرینهو (۲۰۱۱) نیز این یافته را تایید می‌کند. از سویی دیگر مطالعه اوضاعی و همکاران (۱۳۹۵) و خزایی پول و عمویی (۱۳۹۵) نیز در راستای نتیجه مطالعه حاضر است.

نتیجه این مطالعه نشان داد بین توانمندی روان‌شناختی معلمان با میزان استفاده دانش‌آموزان از شبکه‌های اجتماعی رابطه وجود دارد. این رابطه درمورد مولفه‌های معنی‌دار بودن، شایستگی، و خودمختاری بطور منفی و درمورد مولفه موثربودن به طور مثبت است . از محدودیت‌های این پژوهش منابع و پیشینه پژوهشی محدود بود که طبعا محقق را در تبیین نتایج و یافته‌های پژوهش با دشواری‌هایی روبرو ساخت. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده در زمینه رابطه خودتنظیمی و یادگیری خودراهبر با میزان استفاده دانش‌آموزان از شبکه‌های اجتماعی مطالعه بیشتری انجام شود.

منابع و مآخذ

Ashtarian, K. & Amirzadeh, M. (2015). Study of the Effects of Virtual Social Networks on Political Participation (Case Study: Tehran). *Quarterly Journal of Politics* - Journal of the Faculty of Law and Political Science, 45(4). 825-841. [In Persian].

Ansarifar, S. & Ráeesi, A. (2014). The effect of using information technology in the organization on empowerment of Isfahan Municipality employees during 2014, *The first national conference on futures research, management and development.* [In Persian].

O-zaee, N.; aabedi, S.; Abdolahian, Z. (2016). The effect of e-learning on empowerment of primary school teachers in Karaj. *The first international conference on modern research in the field of educational sciences and psychology and social studies in Iran.* [In Persian].

Brace, N.; Camp, R. & Selenegar, R. (2012). *SPSS for psychologists: a guide to data analysis*, Translation: Khadijeh Aliabadi and Ali Samadi. Tehran: Doran Publishing. [In Persian].

Bahadori, S. And Ráfat Panah, m. (2015). The relationship between e-learning and empowerment of secondary school teachers in District 4 of Qom. *The first national scientific research congress on the development and promotion of educational sciences and psychology. Sociology and Socio-Cultural Sciences of Iran.* [In Persian].

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOI: 10.52547/erj.7.40.22]

Pourakbran, A. (2015). Investigating the use of emerging means of communication (Internet, satellite and mobile phones) among young people and its relationship with anxiety, stress and depression. *Principles of mental health.* 17(5). 259-254. [In Persian].

Jalali Far, L. (2013*). Investigating the effective factors on empowerment of primary school teachers in Tehran.* Ministry of Science, Research and Technology - Al-Zahra University - Faculty of Educational Sciences and Psychology. [In Persian].

Jamshidi, M. And Oladzad Abbasabadi, Sh. (2014). Study the Impact of Information Technology on Empowerment of Social Security Organization Experts. Islamic Azad University - *Islamic Azad University, Central Tehran Branch - Faculty of Management*. [In Persian].

Javadipour, M.; Safaei Movahed, S. And Barati, A. (2015). The study of the effect of coaching method on psychological empowerment of teachers. *Training and development of human resources*. 2(6). 23-1. [In Persian].

Hasanzadeh, A.; Rajaipour, S.& Noori, A. (2013). Role transparency and psychological empowerment. *Public Management Perspectives*. No. 14. 155-135. [In Persian].

Hosseinzadeh, M. And Mehregan, M. (2016). Designing a Multiple Methodology of Operations Research Methodology Using Social Network Analysis Approach. *Journal of New Research in Decision Making*. 1(1). 70-47. [In Persian].

Khaaniki, H. & Babaei, M. (2011). Cyberspace and social networks; Concepts and functions. *Quarterly Journal of the Iranian Association for Information Society Studies*. 1(1). 96-71. [In Persian].

Khodayari, K.; Daneshvar Hosseini, F. And Saeedi, H. (1393). Extent and type of use of virtual social networks (Case study: Students of Mashhad Azad University). *Communication Research.* No. 77. 192-167. [In Persian].

Khazaeepul. S. & Aamoee, f. (2016). The relationship between e-learning and self-efficacy and empowerment of primary school teachers in Nowshahr. *Second International Conference on Management, Accounting and Economics*. [In Persian].

Khajeh Ahmadi, M.; Puladi, Sh. & Bahraini, M. (2016). Design and psychometrics of a mobile-based social network addiction questionnaire. *Psychiatric Nursing*. 4(4). 51-43. [In Persian].

Dahlgren, *P. Television and the public sphere: citizenship, democracy and the Media*, Translated by Mehdi Shafaqati. Tehran: Soroush Publishing. [In Persian].

Dennis, K. (2008). *The practice of empowerment: making the most of human competence*, Translated by Mehdi Irannejadparizi and Masoom Ali Soleimian. Tehran: Managers Publishing. [In Persian].

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOI: 10.52547/erj.7.40.22]

Rezaei Jundani, M.; Hoveida, R. & Samavatian, H. (2015). Predicting the dimensions of psychological empowerment using psychological capital components in primary school teachers in Isfahan. Knowledge and research in applied psychology. 16(1).78-87. [In Persian].

Zarei Zawaraki, A. & Ghorbani, h. (2015). The Impact of Virtual Social Networks on Students' English Learning. *Teaching and learning technology*. No. 3. 36-23. [In Persian].

Sahebi, S. & Tajri, M. (2016). Attitudes towards data technology as a predictor of self-regulated learning in smart schools. *Teaching and learning studies*. 8(1). 123-102. [In Persian].

Castells, M. (2016). *Social movements in the Internet age*. Translated by Behrooz Granpayeh. Tehran: Markaz Publishing. [In Persian].

Kaashi Sorkhi, S. (2014). The study of the relationship between e-learning and empowerment of high school teachers in Savadkuh. *The first national conference on Iranian Islamic economics, management and culture.* [In Persian].

Moradi, M. (2011). Investigating the participation of communication students in the production of social media content. *Master Thesis, Islamic Azad University, Central Tehran Branch*. [In Persian].

Naveh Ibrahim, A. & Abdullahi, b. (2007). *Employee Empowerment: The Golden Key to Human Resource Management*. Tehran: Editing Publishing. [In Persian].

Wiskermi, H.; Sabzian, S.; Peerjaavid. F. Graa, e. (2016). Investigating the relationship between perceptions of parenting Sikhs and self-regulated learning strategies of Ferdows University of Mashhad students. *Research in school and virtual learning*. 2(5). 94-81. [In Persian].

Habermas, Y. (2013). *Structural Transformation of the Public Sphere: An Exploration of Bourgeois Society*. Translated by Jamal Mohammadi. Tehran: Afkar Publishing. [In Persian].

Habermas, Y. (2013). *Globalization and the Future of Democracy: A Postnational System*. Translated by Kamal Poladi. Tehran: Markaz Publishing. [In Persian].

Yazdkhasti, B.; Adlipour, p. & Sepehri, Asia (2013). Content analysis of Facebook social network pages and groups with Habermas public domain theory. *Social Studies and Research in Iran.* 2(1). 110-87. [In Persian].

Berry, C. A. (1992). Pervious learning experiences strategy beliefs and task definition in self-regulated foreign language learning. Contemporary educational psychology, 18(1), 318-336.

Burnay, J., Billieux, J., Blairy, S., & Larøi, F. (2015). Which psychological factors influence Internet addiction? Evidence through an integrative model. Computers in Human Behavior, 43, 28-34.

Chen, B., & Bryer, T. (2012). Investigating instructional strategies for using social media in formal and informal learning. The International Review of Research in Open and Distributed Learning, 13(1), 87-104.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOI: 10.52547/erj.7.40.22]

Ellison, N. B. (2007). Social network sites: Definition, history, and scholarship. Journal of Computer-Mediated Communication, 13(1), 210-230.

Gabrielle, D. M. (2016). Effects of Technology-Mediated Instructional Strategies on Motivation, Performance, and Self-Directed Learning.

Greenhow, C. (2011). Online social networks and learning. On the Horizon, 19(1), 4-12

Hamid, S., Waycott, J., Kurnia, S., & Chang, S. (2015). Understanding students' perceptions of the benefits of online social networking use for teaching and learning. The Internet and Higher Education, 26, 1-9.

Işık, F. (2013). Comparison of the use of social network in education between North and South Cyprus. Procedia-Social and Behavioral Sciences, 103, 210-219.

Knowles, M. S., Holton III, E. F., & Swanson, R. A. (2014). The adult learner: The definitive classic in adult education and human resource development. Routledge.

Lin, W., Wang, L., Bamberger, P. A., Zhang, Q., Wang, H., Guo, W., ... & Zhang, T. (2016). Leading future orientations for current effectiveness: The role of engagement and supervisor coaching in linking future work self salience to job performance. Journal of Vocational Behavior, 92, 145-156.

Mazer, J. P., Murphy, R. E., & Simonds, C. J. (2009). The effects of teacher self-disclosure via Facebook on teacher credibility. Learning, Media and technology, 34(2), 175-183.

Narciss, S., Proske, A., & Koerndle, H. (2007). Promoting self-regulated learning in web-based learning environments. Computers in human behavior, 23(3), 1126-1144.

Pintrich, P. R., & De Groot, E. V. (1990). Motivational and self-regulated learning components of classroom academic performance. Journal of educational psychology, 82(1), 33.

Ponnudurai, P., & Jacob, T. T. (2014). Facebook: A shift from social to academia. Procedia-Social and Behavioral Sciences, 123, 122-129.

Rashid, T., & Asghar, H. M. (2016). Technology use, self-directed learning, student engagement and academic performance: Examining the interrelations. Computers in Human Behavior, 63, 604-612.

Rheingold, H. (2000). The virtual community: Homesteading on the electronic frontier. MIT press.

Stats, I. W. (2016). Internet world stats: Usage and population statistics. Retrieved from Internet World Stats: http://www. internetworldstats. com/stats. htm.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOI: 10.52547/erj.7.40.22]

The study of relationship between teachers' empowerment and students' use of social networks

Maryam Banahan Qomi[1], Afsaneh Nirooee[2]

Abstract

Due to the growing popularity of students in cyberspace and social networks, the serious role of teachers' empowerment in the proper use of cyberspace facilities is becoming more and more apparent. The aim of the research was the study of the relationship between empowerment of teachers and student's use of networks. The research community was every teachers and student of sixth grade of girls public schools which by using multistage cluster sampling method have been chosen from 100 persons of teachers and students from seven areas of Tehran fifth district. Data tool collection was psychological empowerment questionnaire and the amount of using from social networks questionnaire. Reliability of the tool was calculated and validated by using Cronbach's alpha. Data were analyzed using descriptive and inferential statistics (Pearson correlation coefficient and stepwise regression analysis) and was analyzed by SPSS software. The results showed there is a negative and meaningful relationship between the components of teachers' empowerment consist of meaningfulness, competency, autonomy, with the amount of student's use of social networks and there is a positive and meaningful relationship between the effectiveness of teachers with student's use of social networks. Competency as a variable explains 20/4 and effectiveness explains 23/7 Percent of the variance of social networking.

Keywords: psychological empowerment, competency, effectiveness, social networks

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOI: 10.52547/erj.7.40.22]

1. Assistant Professor, Department of Educational Administration and Planning, Faculty of Education and Psychology, Alzahra University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)
2 Graduated in the History and Philosophy of Education, Faculty of Education and Psychology, Alzahra University, Tehran, Iran.